

شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران

فرهاد نیلی^۱

بهزاد بابازاده خراسانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۸

چکیده

دو رویکرد برای اندازه‌گیری رفاه قابل شناسایی است: رویکرد عینی و رویکرد ذهنی. اقتصاد شادکامی، به تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با شاخص‌های ذهنی رفاه می‌پردازد. در این مقاله با تجزیه و تحلیل داده‌های رفاه ذهنی خرد مربوط به ۴۶۲۰ مشاهده جمع‌آوری شده در دو سال (۲۰۰۳ و ۲۰۰۵)، عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران شناسایی و تقارن تأثیر این عوامل به تفکیک جنسیت بررسی شده است. یافته‌های تحقیق به طور کلی، از تأثیر عوامل درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط و پیوندهای خانوادگی، سن و جنسیت بر سطح رفاه شهروندان ایرانی حکایت دارند.

کلیدواژه‌ها: شادکامی، رفاه ذهنی، اندازه‌گیری رفاه، تابع رفاه اجتماع

طبقه‌بندی JEL: I30, I31, I38

۱. رئیس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، f.nili@cbi.ir

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران، b_babazadeh@ut.ac.ir

۱. مقدمه

رفاه از مفاهیم بنیادین علم اقتصاد است. سیاستگذاران هدف از اعمال سیاست‌ها را ارتقای رفاه جامعه اعلام می‌کنند. درباره اندازه‌گیری رفاه دو رویکرد کلی قابل شناسایی است: رویکرد عینی و رویکرد ذهنی (وینهون^۱، ۲۰۰۷). آنچه بر اساس سنت دیرین اقتصاد به عنوان علمی تجربه‌گرا، سابقه بیشتری دارد بیان رفاه در قالب شاخص‌هایی عینی نظیر مصرف و درآمد است. اما تفسیر این گونه‌ای رفاه، محدودیت نگرش و ایجاد فاصله عمیق میان درک عامه مردم از مفهوم بنیادین رفاه و درک اقتصاددانان و سیاستگذاران از این مفهوم را در پی داشته است.

در مقابل جریان فوق، جریانی بدیل در علم اقتصاد به وجود آمده است که بر اندازه‌گیری رفاه در قالب شاخص‌های ذهنی تأکید دارد. استرلین^۲ (۱۹۷۴) با وام گرفتن شاخص‌های ذهنی از روان‌شناسان، نشان داد که اگرچه در کشورهای غربی برای چند دهه درآمد سرانه در حال رشد قابل توجه بوده است، اما رضایت مردم از زندگی در طی این مدت تقریباً ثابت بوده است. این مسأله که به نام معمای شادکامی^۳ یا معمای استرلین^۴ مشهور شد، توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرد.

از آن پس اقتصاددانان به شکل روزافزونی از شاخص‌هایی که بر مبنای قضاوت فرد نسبت به زندگی خود شکل می‌گیرد، استفاده کرده‌اند. به نحوی که امروزه پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از ورود شاخص‌های ذهنی به علم اقتصاد نوین، اقتصاد شادکامی^۵ جایگاه خود را در جریان اصلی این علم یافته است. لیارد^۶ (۲۰۰۵) معتقد است اقتصاد نیازمند تحولی انقلاب‌گونه است که در نتیجه آن ارتقای رفاه ذهنی هدف تمام سیاستگذاری‌ها قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین مسائل حوزه اقتصاد شادکامی، بررسی عوامل تعیین‌کننده رفاه ذهنی در جوامع مختلف است. شناسایی اینکه از نگاه مردم چه عواملی رفاه آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضوع پژوهش‌های مختلفی بوده است که نسبت کمی از آنها مربوط به جوامع در حال توسعه بوده‌اند. مقاله حاضر در این راستا کوشیده است تا با استفاده از پایگاه داده مؤسسه بررسی ارزش‌های جهانی^۷ و با تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به ۴۶۲۰ مشاهده جمع‌آوری

1. Ruut Veenhoven
 2. Richard Easterlin
 3. Happiness Paradox
 4. Esterlin Paradox
 5. Economics of Happiness
 6. Richard Layard
 7. World Values Survey (WVS)

شده برای سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵، عوامل خرد مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران را شناسایی کند. همچنین، تقارن واکنش مردان و زنان در برابر عوامل شناسایی شده سؤال دیگری است که این مقاله در پی پاسخ به آن بوده است.

در بخش دوم مقاله با توجه به جدید بودن موضوع، مختصری از ادبیات مرتبط با اقتصاد شادکامی و عوامل تعیین‌کننده آن مرور شده است. بخش سوم به معرفی و توصیف داده‌های مورد استفاده اختصاص یافته است. بخش چهارم مدل تحقیق و یافته‌های پژوهش در خصوص عوامل تعیین‌کننده شادکامی در ایران و تفاوت این عوامل بین زنان و مردان را ارائه می‌کند و در نهایت بخش پنجم به جمع‌بندی نتایج می‌پردازد.

۲. ادبیات موضوع

۱.۲. اقتصاد شادکامی و رفاه ذهنی

اندازه‌گیری رفاه اجتماعی و فردی دارای اهمیت بسیار زیادی از جهات مختلف است. از بعد سیاستگذاری اغلب سیاستگذاران تمایل به اجرای سیاست‌هایی دارند که منجر به بهبود رفاه افراد جوامع شود. داشتن تعریف دقیق از رفاه و معیاری که بتواند به‌درستی آن را اندازه‌گیری کند لازمه کامیابی در تدوین و اجرای سیاست‌هایی است که بتواند سیاستگذار را در دستیابی به هدف مذکور کمک کند.

به طور کلی برای اندازه‌گیری رفاه دو رویکرد متفاوت به کار گرفته شده است. آنچه در علم اقتصاد سابقه بیشتری دارد، اندازه‌گیری رفاه در قالب شاخص‌های عینی است. مهم‌ترین این شاخص‌ها، شاخص درآمد سرانه است. انتقادهای فزاینده‌ای از این رویکرد از سوی اقتصاددانان و سیاستمداران بیان می‌شود و تلاش‌های زیادی هم برای جایگزینی آن با شاخص‌هایی کامل‌تر صورت گرفته است.^۱

رویکرد جایگزین برای اندازه‌گیری و ارزیابی رفاه فردی و اجتماعی، رویکرد رفاه ذهنی است. این روش، رفاه را در قالب شاخص‌های شادکامی و رضایت از زندگی ارزیابی می‌کند. هر ساله از صدها هزار نفر در نقاط مختلف جهان خواسته می‌شود تا با پاسخ به سؤالاتی نظیر «با در نظر گرفتن همه چیز، در حال حاضر تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟» یا «با در نظر گرفتن همه چیز، شما این روزها: بسیار خوشحال هستید، تا حدی خوشحال هستید یا اساساً

۱. به عنوان نمونه رجوع کنید به: استیگلیتز، سن و فیتوسی (۲۰۰۹)

خوشحال نیستید؟» رفاه خود را ارزیابی کنند. معمولاً به پاسخ‌های به دست آمده از سؤال اول شاخص رضایت از زندگی و به پاسخ‌های سؤال دوم شاخص شادکامی اطلاق می‌شود؛ به این دو شاخص و دیگر شاخص‌های مشابه، شاخص‌های رفاه ذهنی می‌گویند.

اقتصاد شادکامی رویکردی برای ارزیابی رفاه است که در آن ترکیبی از ابزارهای دانش اقتصاد و روان‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اقتصاددانان نوعاً آموخته‌اند که ترجیحات را از انتخاب‌های مشاهده شده افراد استنباط کنند؛ اما، رفاه ذهنی به جای آن که رفاه را بر مبنای ترجیحات آشکار شده^۱ اندازه‌گیری کند، آن را از طریق ترجیحات بیان شده^۲ افراد اندازه‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر، اقتصاددانان بیشتر به آنچه افراد انجام می‌دهند، می‌نگرند؛ تا این که به آنچه آنها می‌گویند، گوش دهند (دی تلا^۳ و مک کالو^۴، ۲۰۰۶).

۲.۲. عوامل تعیین‌کننده شادکامی

یکی از سؤالاتی که پیوسته مورد علاقه پژوهشگران علوم اجتماعی مختلف بوده است، شناخت عوامل تأثیرگذار بر خوشحالی و رضایت انسان‌ها از زندگی بوده است. پرسشنامه‌های رفاه ذهنی علاوه بر ارزیابی افراد از رفاه خود، شامل اطلاعاتی پیرامون درآمد، سن، سلامتی، تاهل، وضعیت اشتغال، میزان اعتماد به حکومت، اعتقادات مذهبی، گرایش‌های سیاسی و تحصیلات نیز هستند. با استفاده از این اطلاعات پژوهشگران می‌توانند سؤال مذکور را به طور تجربی مورد بررسی قرار دهند. لذا رفاه ذهنی افراد جوامع مختلف و ارتباط آنها با عوامل گوناگون شخصیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی زیست‌شناسی موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده‌اند.

کارل گراهام^۵ (۲۰۰۹) مطالعات انجام‌شده پیرامون عوامل مشخصه شادکامی در نقاط مختلف جهان را مرور می‌کند. اکثر مطالعات انجام‌شده در این زمینه به کشورهای اروپایی و آمریکا اختصاص دارد، اگرچه وی به مطالعاتی در حوزه آمریکای لاتین، روسیه، آفریقا، آسیای مرکزی و افغانستان هم اشاره می‌کند. یافته‌های وی، از سازگاری تعداد قابل توجهی از متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مؤثر در تعیین شادکامی بین جوامع مختلف حکایت می‌کند. تفاوت میان عوامل مشخصه

1. Revealed preferences
2. Expressed preferences
3. Rafael Di Tella
4. Robert MacCulloch
5. Carol Graham

شادکامی در مناطق مختلف، بیشتر به زیرساخت‌های اقتصادی و تفاوت در ساختار بازار کار و آموزش مربوط می‌شود.

یافته‌های اکثر مطالعات حکایت از آن دارند که ازدواج در افزایش شادکامی مؤثر است؛ بیکاری باعث کاهش و سلامت فردی باعث افزایش شدید شادکامی می‌شود. اما تأثیر متغیرهایی نظیر جنسیت، آموزش و نیز نوع شغل بر شادکامی در جوامع مختلف، متفاوت است. احتمالاً این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت زیرساخت‌های اجتماعی جوامع مختلف است. تفاوت حقوق زن و مرد در جوامع مختلف، تفاوت بازدهی آموزش و نیز تفاوت در پایداری مشاغل از نوع خوداشتغالی یا استخدامی در کشورهای مختلف، از عوامل تأثیرگذار بر چگونگی اثر این عوامل بر شادکامی مردم آن کشورهاست. سلامت و بیکاری از عوامل دیگری هستند که به طور کلی در جوامع مختلف در مورد اثر آنها اتفاق نظر وجود دارد.

همان طور که اشاره شد، مطالعات مختلفی برای تعیین عوامل مؤثر بر شادکامی برای کشورهای مختلف انجام شده است و ما در این مقاله برای اولین بار با استفاده از داده‌های مربوط به کشور ایران، عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی را شناسایی کرده‌ایم. همچنین، تفاوت تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بر گروه‌های جنسیتی مختلف را بررسی کرده‌ایم.

۳. توصیف داده‌ها

در این مقاله مشابه بسیاری از مطالعات اقتصاد شادکامی، رفاه ذهنی بر اساس شاخص رضایت از زندگی تفسیر شده است. شاخص رضایت از زندگی در بانک اطلاعاتی در اختیار ما پاسخ افراد به سؤال «با در نظر گرفتن همه چیز، در حال حاضر تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟» می‌باشد. افراد در پاسخ به سؤال مذکور عددی بین ۱ تا ۱۰ را انتخاب کرده‌اند. عدد ۱ بیانگر نارضایتی کامل و عدد ۱۰ بیانگر رضایت کامل بوده است.

۱.۳. منابع داده‌های مورد استفاده

داده‌های مورد نیاز در این تحقیق از بانک اطلاعاتی مؤسسه بررسی ارزش‌های جهان استخراج شده است. مؤسسه مذکور مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و متشکل از شبکه‌ای از پژوهشگران علوم اجتماعی است که با هدف کمک به پژوهشگران علوم اجتماعی

مختلف و نیز سیاستگذاران کشورهای مختلف در درک بهتر نگرش‌های ارزشی گوناگون موجود در سطح جهان به فعالیت مشغول است. دفتر اصلی مؤسسه در استکهلم سوئد واقع است.

این مؤسسه داده‌های مرتبط با ویژگی‌های شخصی، اجتماعی، دیدگاه‌های اجتماعی - سیاسی و رفاه ذهنی مرتبط با کشورهای مختلف را جمع‌آوری و منتشر می‌کند. داده‌های این مؤسسه بر مبنای پنج دوره پیمایش که مجموعاً در بیش از ۸۰ کشور جهان صورت گرفته است، استخراج شده‌اند.

مزیت مهم بانک اطلاعاتی مذکور در مقایسه با کارهای مشابه گستردگی آن در سطح جهان و تنوع کشورهای مورد بررسی است. ایران در بین کشورهای پیمایش شده در موج چهارم و پنجم حضور دارد. این داده‌ها مربوط به سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ است. در هر سال بالغ بر ۲۵۰۰ نفر از مناطق مختلف کشور و در سنین مختلف به سؤالات مورد نظر پاسخ داده‌اند. در نمونه‌گیری‌ها سعی شده است تا در حد امکان نمونه‌ها معرف کل جامعه باشند. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه چهره به چهره بوده است. داده‌های این مؤسسه از طریق سایت رسمی آن قابل دسترسی است.^۱

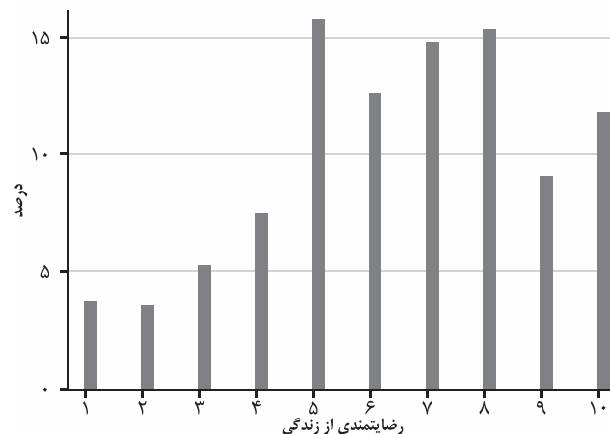
۲.۳. توصیف داده‌های سطح خرد مربوط به ایران

در این قسمت و پیش از معرفی مدل تحقیق و تخمین آن، توصیفی از داده‌های سطح خرد مربوط به رفاه ذهنی در ایران ارائه خواهیم کرد. میانگین شاخص رضایت از زندگی ایران برای سال‌های موجود در داده‌ها (۲۰۰۳ و ۲۰۰۵) به ترتیب ۶/۳۸ و ۶/۴۳ است. توزیع پاسخ به سؤال مربوط به رضایت از زندگی در سال‌های مورد بررسی در جدول و شکل ۳-۱ نشان داده شده است:

جدول (۳-۱) توزیع شاخص رضایت از زندگی در ایران (درصد)

عدم رضایت	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	رضایت	میانگین	انحراف معیار
۳/۹	۳/۲	۶/۳	۸/۴	۱۴/۶	۱۱/۷	۱۵/۳	۱۵/۹	۹/۷	۱۱	۶/۳۸	۴۲
۳/۸	۳/۹	۴/۴	۶/۷	۱۷	۱۳/۶	۱۴/۴	۱۴/۸	۸/۵	۱۲/۷	۶/۴۳	۲/۴
۳/۸	۳/۵	۵/۳	۷/۵	۱۵/۸	۱۲/۷	۱۴/۹	۱۵/۴	۹/۱	۱۱/۹	۶/۴	۲/۴
مجموع											

1. www.worldvaluessurvey.org



شکل (۱-۳) توزیع شاخص رضایت از زندگی در ایران برای مجموع داده‌ها

همان طور که ملاحظه می‌شود شاخص رضایت از زندگی در طول دوره مورد بررسی افزایش یافته است. شاید بخشی از این افزایش شادکامی با افزایش در درآمد سرانه مربوط باشد. درآمد سرانه ایران در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ بر اساس شاخص برابری قدرت خرید و بر مبنای قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۵ طبق گزارش بانک جهانی به ترتیب معادل ۸۷۳۰ و ۹۳۱۴ دلار در سال بوده است که در مجموع رشدی معادل ۶/۷ درصد را نشان می‌دهد. این واقعیت می‌تواند در راستای مسأله‌ای که در ادبیات موضوع وجود دارد و بر مبنای آن طبق نتیجه عده‌ای از مطالعات (به عنوان نمونه: بلنچفلور^۱، ۲۰۰۷ و فری^۲، ۲۰۰۸)، افزایش درآمد در سطوح ابتدایی توسعه موجب افزایش رفاه ذهنی می‌شود، اما بعد از رسیدن به سطح مشخصی از درآمد سرانه (حدود ۱۰ هزار دلار براساس شاخص برابری قدرت خرید و قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۰)، افزایش درآمد اثر چندانی بر رفاه جوامع ندارد، قابل تفسیر باشد. اما در ارائه این تفسیر باید بسیار محتاط بود چرا که در اختیار داشتن داده‌های مربوط به تنها دو سال مبنای مطلوبی برای ارائه چنین تفسیری نیست.

در این مقاله ویژگی‌های شخصی مختلفی از بانک اطلاعاتی مذکور استخراج شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ویژگی‌های مورد نظر عبارتند از: درآمد، سلامت، جنسیت، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل، میزان مذهبی بودن، اقلیت مذهبی بودن و سن.

1. Blanchflower

2. Bruno Frey

۴. مدل و یافته‌های تحقیق

دلایل و کانال‌های اثرگذاری مختلفی برای تأثیر عوامل اشاره‌شده بر رفاه در ادبیات ذکر شده است. به طور مختصر، درآمد به علت ایجاد فرصت به دست آوردن کالاهای مورد خواست بشر و نیز به علت کسب شأن و جایگاه اجتماعی بالاتر می‌تواند موجب افزایش رفاه شود.

وضعیت شغلی افراد فارغ از تفاوت درآمدی، می‌تواند از جنبه‌های متعدد دیگری نیز بر رفاه تأثیرگذار باشد. بیکاری اثرات مخرب روحی و جسمی متفاوتی در پی دارد. از جمله اثرات بیکاری می‌توان به افسردگی، تشویش و نگرانی، از دست رفتن اعتماد به نفس و کنترل روانی اشاره کرد. به علاوه، بیکاری از طریق فشارهای اجتماعی ناشی از ارزش شمرده شدن کار در اجتماع نیز بر رفاه فرد بیکار مؤثر است (فری، ۲۰۰۸).

سلامت جسمی موجب تقویت رفاه ذهنی و شادکامی فرد می‌شود، می‌توان انتظار داشت افراد بیمار در مقایسه با افراد سالم رضایت کمتری از زندگی داشته باشند (گراهام، ۲۰۰۹). در رابطه با سن و نحوه تغییر رفاه ذهنی در طول عمر افراد با کنترل نسبت به سایر عوامل، مطالعات اقتصاد شادکامی از کشف رابطه‌ای U شکل حکایت دارند (لکس^۱، ۲۰۰۸). توجیه این پدیده تجربی نیز با تغییر ترجیحات افراد در طول دوران زندگی امکان‌پذیر است.

تاهل و زندگی در کنار همسر نیز از طریق مشارکت عاطفی، احساس امنیت، تقسیم کار و فرصت بهتر برای رشد سرمایه‌های انسانی می‌تواند باعث افزایش رفاه شود. مذهب نیز از عوامل دیگری است که در ادبیات بر نقش آن در افزایش رفاه تأکید شده است. (کنه^۲ و جون بیان^۳، ۲۰۰۳، کلارک و لکس، ۲۰۰۸ و کلارک و لکس، ۲۰۰۹) احساس امنیت و اثر بیمه‌گونه مذهب در مقابل حوادث ناگوار زندگی از جمله دلایلی هستند که برای این اثرگذاری ذکر شده است.

۴.۱. معرفی مدل پایه

با توجه به متغیرهای موجود در بانک اطلاعاتی و بر مبنای مطالعات مشابه، در این مقاله رفاه ذهنی تابعی به صورت زیر فرض می‌شود:

$$SWB = f(Inc, Emp, Healt, Rel, Age, Mar, Gender, Min, Time)$$

1. Orsolya Lelkes
2. Greene Kenneth
3. Bong Joon Yoo

رفاه ذهنی (SWB) در این تحقیق با شاخص رضایت از زندگی اندازه‌گیری می‌شود. در واقع متغیر وابسته مدل فوق عددی بین ۱ تا ۱۰ است که از پاسخ افراد به پرسش «با در نظر گرفتن همه چیز، در حال حاضر تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟» به دست آمده است. عدد ۱ بیانگر عدم رضایت و عدد ۱۰ بیانگر رضایت کامل بوده است. از آنجا که متغیر وابسته مدل فوق از نوع کیفی و ترتیبی است، برای تخمین مدل مذکور از رویکرد رگرسیون پرآبیت ترتیبی^۱ استفاده می‌شود.

متغیر Inc بیانگر درآمد است که بر اساس پرسشنامه در اختیار عددی بین ۱ تا ۱۰ اختیار می‌کند. عدد مذکور برای هر فرد نشانگر حضور خانوار وی در آن گروه درآمدی است. درآمدهای رایج در جامعه به ۱۰ فاصله درآمدی مساوی تقسیم شده و به ترتیب از کمترین تا بیشترین گروه با اعداد ۱ تا ۱۰ شماره‌گذاری شده‌اند.

متغیر Emp وضعیت شغلی فرد را نشان می‌دهد. افراد حاضر در پیمایش یکی از وضعیت‌های شغلی بیکار، تمام‌وقت، پاره‌وقت (کمتر از ۳۰ ساعت کار در هفته)، دانشجو، خانه‌دار، شغل آزاد یا سایر را انتخاب کرده‌اند.

متغیر Health نشانگر وضعیت سلامت فرد است. این متغیر بر اساس پرسشنامه در اختیار، یکی از اعداد ۱ تا ۴ را اختیار می‌کند. عدد ۱ بیانگر وضعیت بد سلامتی و عدد ۴ بیانگر وضعیت بسیار خوب است. این متغیر به صورت ذهنی و بنابر اظهار خود فرد اندازه‌گیری شده است.

Rel به عنوان سنج‌های از میزان مذهبی بودن فرد تلقی و با شاخص حضور در مراسم مذهبی اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص بر مبنای پاسخ افراد به سؤال «هر چند وقت یکبار به مسجد می‌روید؟» ساخته می‌شود و عددی بین ۱ تا ۳ اختیار می‌کند. عدد ۱ برای پاسخ «سالی یکبار یا کمتر»، عدد ۲ برای «گهگاه (ماهی یکبار یا در مناسبت‌های خاص)» و عدد ۳ برای پاسخ «هفته‌ای یکبار یا بیشتر» در نظر گرفته شده است.

Age معرف سن فرد و Mar نشانگر وضعیت تاهل است. افراد حاضر در پیمایش یکی از وضعیت‌های متأهل، طلاق گرفته، زندگی جدا از هم، بیوه یا مجرد را انتخاب کرده‌اند.

Gender معرف جنسیت است. حضور این متغیر در مدل تفاوت‌های زنان و مردان در پاسخ به سؤال مربوط به رضایت از زندگی را کنترل می‌کند. ورود این متغیر به مدل به صورت متغیری دودویی است که برای مردها عدد ۱ و برای زنها عدد صفر اختیار می‌کند.

Min معرف عنصر حضور در گروه اقلیت‌های مذهبی است. ممکن است استدلال شود که حضور در گروه اقلیت‌های مذهبی از جهت ایجاد احساس در اقلیت بودن، یا از طریق توزیع کمتر کالاهای عمومی در مناطق محل زندگی این افراد و یا از هر طریق دیگری موجب کاهش رفاه نسبت به سایرین خواهد شد. وجود این متغیر در مدل، به ما قابلیت آزمون این فرضیه را برای ایران خواهد داد. این متغیر نیز، دودویی است که برای اقلیت‌های مذهبی عدد ۱ و برای سایرین عدد صفر اختیار می‌کند.

از آنجا که برای ایران داده‌های مربوط به دو مقطع ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ در اختیار قرار دارد و این داده‌ها در واقع از دو نمونه‌گیری مستقل در دو مقطع زمانی به دست آمده‌اند، به منظور کنترل متغیرهای تأثیرگذار بر شاخص رضایت از زندگی افراد که در مدل وارد نشده‌اند و در این مدت تغییر کرده‌اند، یک متغیر دودویی به نام زمان (Time) در مدل وجود دارد که برای داده‌های سال ۲۰۰۵ عدد ۱ و برای سال ۲۰۰۳ عدد صفر اختیار می‌کند.

۲.۱.۴. تخمین مدل و نتایج تحقیق

در این قسمت عوامل مشخص‌کننده رفاه ذهنی گزارش شده برای ایران ارائه می‌شود. بدین منظور در گام اول، معادله مطرح‌شده در قسمت قبل با استفاده از رویکرد پروبیت ترتیبی و با استفاده از ۴۶۲۰ داده خرد (که اطلاعات تمام متغیرهای مورد نظر در مورد آنها وجود دارد) برای مجموع دو سال ایران تخمین زده می‌شود. نتایج تخمین‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است. در گام دوم برای آزمون فرضیه عدم تقارن واکنش رفاه ذهنی مردان و زنان به عوامل مورد بررسی، تصریحی مشابه گام اول را به طور مجزا برای زنان و مردان تخمین زده‌ایم. نتایج این تخمین نیز در جدول ۲ نشان داده شده است.

برای سهولت در تفسیر و شفافیت معنای ضرایب بر اساس تصریح حالت پایه مدل، تمام گروه‌های مختلف متغیرهای مورد بررسی (به استثنای سن و مجذور آن) به صورت متغیرهای دودویی وارد مدل شده‌اند. برای هر یک از متغیرها یک حالت پایه نیز در نظر گرفته‌ایم. تنها تفاوت معادله رگرسیون اول با رگرسیون‌های دوم و سوم حضور متغیر مرد بودن در معادله اول است. رگرسیون‌های دوم و سوم به ترتیب برای داده‌های مرد و زن حاضر در رگرسیون اول به طور مجزا به دست آمده است.

ضریب متغیر مرد بودن در مدل اول منفی و معنادار است. مردان در ایران در مقایسه با زنان به طور معناداری رضایت کمتری از زندگی را گزارش کرده‌اند. این نتیجه با مطالعاتی که در کشورهای

توسعه یافته انجام شده است، منطبق است (به عنوان نمونه: دی تلا و دیگران (۲۰۰۱) برای کشورهای اروپایی، فری و اشتوتزر (۲۰۰۰) برای کشور سوئیس).

نتایج مدل نشان می‌دهد ضریب متغیر زمان، مثبت و معنادار است. لذا رضایت از زندگی مردم ایران در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۳ بیشتر بوده است. در ارتباط با علت این تغییر نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر کرد، اما ممکن است عواملی نظیر رشد درآمد سرانه در آن موضوعیت داشته باشد. به هر حال با داشتن محدودیت تعداد سال، تنها می‌توان ادعا کرد که عامل یا عواملی موجب افزایش معنادار سطح رضایت از زندگی در ایران در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۳ شده‌اند. ضمناً این تأثیر برای هر دو گروه جنسیتی معنادار است.

درآمد بالا فرصت و توانمندی بیشتری برای دستیابی به خواسته‌های مادی در اختیار افراد قرار می‌دهد. افراد با درآمد بیشتر می‌توانند کالاها و خدمات بیشتری بخرند و از این طریق رفاه بیشتری به دست آورند. علاوه بر این سطوح بالای درآمدی می‌تواند از طریق کسب شأن و احترام اجتماعی بالا، موجب ارتقای سطح رفاه ذهنی افراد شود. مطالعات بسیاری با موضوع ارتباط بین شادکامی و درآمد در مقاطع زمانی و کشورهای مختلف حکایت از شادتر بودن ثروتمندان نسبت به فقرا در یک کشور (به طور میانگین) دارد. این نتیجه به عنوان نتیجه‌ای عمومی و پایدار شناخته شده است. مطالعات مختلف در کشورهای مختلف و با استفاده از اشکال گوناگون مدل‌های تصریح شده و انواع رگرسیون‌های مورد استفاده، رابطه‌ای معنادار و معمولاً قوی میان درآمد با رفاه ذهنی گزارش کرده‌اند (فری، ۲۰۰۸).

تخمین مدل تحقیق نشان می‌دهد که مطابق با سایر کشورها در ایران نیز سطح درآمد فردی تأثیر مثبت و معنادار بر سطح رضایت از زندگی دارد. همان‌گونه که در قسمت قبل بیان شد، سطوح درآمد فردی به صورت متغیرهای دودویی تصریح شده‌اند. در حالت پایه فرض شده است که سطح درآمد در گروه اول (پایین‌ترین سطح درآمدی) است، لذا تفسیر ضریب هر متغیر دودویی بدین صورت خواهد بود که در صورت افزایش درآمد فردی از حالت پایه (گروه اول) به گروه مورد نظر به چه میزان رضایت از زندگی افراد تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ضرایب متغیرهای مربوط به گروه‌های درآمدی (به جز گروه دوم) مثبت و معنادار هستند. همچنین با افزایش گروه درآمدی، ضریب مربوط بزرگ می‌شود. به عبارت دیگر، ضرایب متغیرهای مذکور با افزایش گروه درآمدی سیری اکیداً صعودی دارند. بنابراین، درآمد اثری مثبت بر رضایتمندی افراد در زندگی دارد و با انتقال افراد از هر گروه درآمدی به گروه درآمدی بالاتر رضایتمندی افزایش می‌یابد. به علاوه، همان‌گونه که در نتایج

تخمین مدل دوم و سوم ملاحظه می‌شود، واقعیت مربوط به تأثیر درآمد بر رفاه ذهنی در دو گروه مشابه است با این تفاوت که در سطح معناداری ۹۰ درصد، برای گروه زنان حضور در گروه‌های دوم و سوم درآمدی و برای گروه مردان حضور در گروه دوم درآمدی موجب تفاوت معنادار رضایتمندی در مقایسه با حضور در گروه اول نشده است. اما به هر حال افزایش درآمد به طور کلی باعث افزایش رضایتمندی از زندگی شده است.

البته اگرچه رابطه قوی میان درآمد و رفاه ذهنی برقرار است، اما تفاوت درآمدی تنها نسبت کوچکی از تفاوت میان رفاه ذهنی افراد را توضیح می‌دهد، به عنوان نمونه همبستگی ساده میان این دو متغیر برای داده‌های کشور آمریکا ۲۰ درصد است (استرلین، ۲۰۰۱). این شاخص برای داده‌های مورد استفاده در این مقاله ۲۴/۲۶ درصد است. این نکته نشانگر اهمیت عواملی دیگر در کنار درآمد برای توضیح رفاه است. عوامل اقتصادی دیگری نظیر بیکاری و عوامل غیراقتصادی نظیر سلامتی و ویژگی‌های شخصیتی نیز بر رفاه مؤثر هستند و تنها بخشی از رفاه ذهنی با درآمد قابل توضیح است.

مطالعات شادکامی به اتفاق رابطه‌ای قوی و مثبت میان رفاه ذهنی و سلامت فردی گزارش کرده‌اند. به طور مشابه، انتظار داریم با بهبود وضع سلامت فردی (به طور دقیق‌تر ارزیابی فرد از سطح سلامت خود) سطح رضایتمندی از زندگی نیز بهبود یابد. مشاهده می‌شود که ضرایب متغیرهای مربوط به وضعیت متوسط و خوب سلامتی در مدل مثبت و معنادار هستند. حالت سلامتی بد به عنوان حالت پایه در نظر گرفته شده است. همچنین ملاحظه می‌شود که ضرایب این متغیرها با بهبود سطح سلامتی به طور اکید افزایش می‌یابند. بنابراین، مدل نشان می‌دهد بهبود وضعیت سلامت افراد به طور مستقیم بر رفاه ذهنی آنها مؤثر است. این نتیجه با نتایج سایر مطالعات شادکامی منطبق است. گراهام (۲۰۰۹) بیان می‌کند که مطالعات شادکامی به اتفاق رابطه‌ای قوی و مثبت میان رفاه ذهنی و سلامت فردی گزارش کرده‌اند. همچنین، این واقعیت تأکیدی بر اهمیت حوزه سلامت و سیاست‌هایی است که به بهبود نظام سلامت و ارتقای سطح سلامت جامعه کمک می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان ضریب متغیر وضعیت سلامتی خوب (۰/۶۲) را که بیانگر اثر تغییر وضعیت سلامت فرد نمونه از حالت بد (حالت اول) به حالت خوب (حالت سوم) است با ضریب متغیر حضور در گروه ششم درآمدی (۰/۵۳) که بیانگر تغییر گروه درآمد فرد از گروه اول به گروه ششم است، مقایسه کرد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود اثر تغییر مذکور در وضع سلامت از ارتقای پنج پله‌ای وضع درآمدی بیشتر است. این مقایسه بار دیگر بر اهمیت توجه به مسأله سلامت و نقش مهم ارتقای آن در بهبود رفاه جامعه تأکید دارد. به علاوه در تمام رگرسیون‌ها ضرایب مربوط به سلامت

مثبت و معنادار هستند. بنابراین متغیر سلامت صرف نظر از جنسیت اثری مثبت و معنادار بر رفاه ذهنی دارد، اما این اثر برای مردان کوچک‌تر است. به عبارت دیگر، بهبود سلامت اثری قوی‌تر بر رفاه ذهنی زنان در مقایسه با مردان دارد و رفاه زنان به عنصر سلامتی حساس‌تر است.

همان‌گونه که توضیح داده شد، پاسخ افراد به سؤال مربوط به شاخص حضور مذهبی (هر چند وقت یک‌بار به مسجد می‌روید؟) را در سه گروه کم (سالی یک‌بار یا کمتر)، متوسط (ماهی یک‌بار یا در مناسبت‌های خاص) و زیاد (هفته‌ای یک‌بار یا بیشتر) دسته‌بندی کرده‌ایم. دسته اول (سالی یک‌بار یا کمتر) به عنوان حالت پایه در نظر گرفته شده است و دو حالت دیگر در قالب متغیرهای دودویی وارد شده‌اند. نتایج تخمین مدل اول گویای آن است که ضریب متغیر مربوط به حضور در گروه دوم شاخص حضور مذهبی معنادار نیست اما حضور در دسته سوم (مشارکت مذهبی زیاد) به طور کلی تأثیری مثبت و معنادار در رضایتمندی از زندگی دارد. به عبارت دیگر افراد دارای مشارکت زیاد مذهبی در مقایسه با افرادی که مشارکت مذهبی کم دارند، رضایت بیشتری را اظهار کرده‌اند. این نتیجه نیز سازگار با سایر مطالعاتی است که درباره تأثیر اعتقادات مذهبی بر رفاه ذهنی جوامع انجام شده است. تمرکز این مطالعات بر داده‌های کشورهای توسعه‌یافته بوده است. تمام مطالعات مذکور بر رابطه مثبت میان مذهب و رفاه ذهنی تأکید دارند (گرین^۱ و جون یان^۲، ۲۰۰۳، کلارک و للکس^۳، ۲۰۰۸ و کلارک و للکس، ۲۰۰۹).

مدل‌های دوم و سوم نشان می‌دهند که این اثر بین مردان و زنان متقارن نیست. در سطح ۹۰ درصد در بین زنان حضور در گروه‌های دوم و سوم مشارکت مذهبی تأثیری مثبت و معنادار دارند در حالی که برای مردان هیچ یک از این متغیرها معنادار نیستند.

در مورد رابطه سن و رفاه ذهنی در ادبیات اقتصادی رابطه‌ای به شکل U گزارش شده است که نقطه حداقل آن حدود سن ۴۰ سالگی است (للکس، ۲۰۰۸ و گراهام، ۲۰۰۹). در این تحقیق نیز، ضریب سن و توان دوم آن معنادار هستند. در واقع در مورد نحوه تغییر رفاه ذهنی ایرانیان در طول عمر با کنترل نسبت به سایر عوامل مؤثر، می‌توان مشابه سایر مطالعات اقتصاد شادکامی رابطه‌ای U شکل تصریح کرد. نقطه حداقل این نمودار در ایران طبق مدل اول حدود سن ۴۶/۳ است. از نتایج تخمین‌های رگرسیون دوم و سوم این گونه برمی‌آید که سن تنها برای زنان اثری U شکل دارد و اثر سن و مجذور آن در رضایتمندی مردان معنادار نیست.

1. Greene Kenneth
2. Bong Joon Yoo
3. Orsolya Lelkes

برای بررسی اثر وضعیت شغلی افراد بر رفاه ذهنی نیز شغل تمام‌وقت به عنوان حالت پایه در نظر گرفته شده و برای سایر وضعیت‌ها نیز متغیری دودویی در مدل حضور دارد. از بین حالات مختلف در مدل اول، تنها وضعیت‌های بیکاری و شغل آزاد در سطح ۹۰ درصد معنادار هستند و ضریب هر دو آنها نیز منفی است. تأثیر منفی بیکاری فرد بر سطح رضایتمندی وی با مبانی تئوریک و نیز سایر مطالعات مربوط سازگار است. مطالعات فراوان به اثر قوی بیکاری بر کاهش رضایت از زندگی با استفاده از داده‌های کشورهای مختلف در زمان‌های مختلف اذعان دارند (فری، ۲۰۰۸). اما تأثیر منفی شغل آزاد (خوداشتغالی) بر رضایتمندی در ایران قابل تامل است. این نتیجه در مقابل نتیجه‌ای قرار دارد که فری (۲۰۰۸) برای کشورهای آلمان، سوئیس و انگلستان گزارش می‌کند. در مطالعه وی به دلایلی نظیر استقلال، انعطاف‌پذیری و تا حدی امنیت شغلی برای ارجحیت شغل آزاد در کشورهای مذکور اشاره شده است. اما ظاهراً این عوامل نوعاً برای داشتن شغل آزاد در ایران صادق نیستند. در مقابل، نبود امنیت شغلی و ناپایداری این دسته مشاغل در کنار عدم پوشش بیمه‌های اجتماعی برای صاحبان این گونه مشاغل را می‌توان از دلایل احتمالی کمتر بودن رضایت این افراد از زندگی برشمرد.

در رابطه با وضعیت شغلی ملاحظه می‌شود که در مدل مربوط به مردان مشابه مدل اصلی، ضرایب متغیرهای بیکاری و شغل آزاد معنادار و منفی هستند اما در مدل مربوط به زنان هیچ یک از وضعیت‌های شغلی اثر معناداری بر رضایت از زندگی ندارند. بنابراین بیکاری در مردان و زنان اثری متفاوت بر جای می‌گذارد. رفاه مردان در قبال بیکاری به طور معناداری کاهش می‌یابد در حالی که رفاه زنان در اثر بیکاری کاهش معناداری پیدا نمی‌کند. این مسأله از طرفی با توجه به ساختار اجتماعی جامعه ایران و مسئولیت مردان در تامین معاش خانواده و نیز انتظاری که جامعه از مردان برای کار کردن دارد، قابل توجیه است. کلارک و دیگران (۲۰۰۸) نیز با استفاده از داده‌های آلمان این مسأله را نشان داده‌اند که اثر بیکاری بر رفاه مردان بیش از رفاه زنان است.

حالات مختلف وضعیت تاهل نیز به صورت متغیرهای دودویی وارد مدل شده‌اند. حالت پایه برای این مولفه، وضعیت تاهل (زندگی در کنار همسر) در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ضرایب متغیرهای مربوط به وضعیت‌های مجرد، طلاق گرفته (و یا زندگی جدا از هم) و بیوه در مدل اصلی منفی و معنادار است. یعنی تمام وضعیت‌های مذکور در مقایسه با وضعیت پایه (تاهل) به طور معناداری رضایت از زندگی را کاهش می‌دهند. به عبارت دیگر، ازدواج و زندگی در کنار همسر، اثری مثبت در رفاه افراد دارد.

ضریب عامل حضور در میان اقلیت‌های مذهبی (Min)، منفی و معنادار است. اقلیت‌های مذهبی در ایران به طور معناداری رفاه ذهنی کمتری را در مقایسه با دیگران گزارش کرده‌اند. این پدیده می‌تواند از عوامل متعددی ناشی شده باشد. به عنوان نمونه، توزیع کمتر امکانات عمومی در مناطقی که اقلیت‌های مذهبی در آن ساکن هستند و یا صرف احساس در اقلیت بودن، می‌تواند باعث کاهش رفاه ذهنی شود. قضاوت درباره این که عوامل محیطی بر کاهش رفاه ذهنی اقلیت‌ها بیشتر تأثیر دارند یا عوامل درونی، نیاز به اطلاعات بیشتری دارد. اما به هر حال فرضیه اثر منفی حضور در گروه اقلیت‌های مذهبی در ایران بر رفاه ذهنی را نمی‌توان رد کرد. این عامل برای هر دو گروه اثری منفی و معنادار دارد، اما اثر آن برای مردان شدیدتر است.

جدول ۴-۱

تخمین مدل برای زنان		تخمین مدل برای مردان		تخمین مدل برای کل داده‌ها		تعداد مشاهدات متغیر
۲۲۰۹	۲۴۱۱	۴۶۲۰	Z آماره	ضریب	Z آماره	
						مرد بودن
						زمان
						گروه دوم درآمدی
						گروه سوم درآمدی
						گروه چهارم درآمدی
						گروه پنجم درآمدی
						گروه ششم درآمدی
						گروه هفتم درآمدی
						گروه هشتم درآمدی
						گروه نهم درآمدی
						گروه دهم درآمدی
						وضعیت سلامتی متوسط
						وضعیت سلامتی خوب
						مشارکت مذهبی متوسط
						مشارکت مذهبی زیاد
						سن
						مجدور سن
						بیکاری
						شغل آزاد
						شغل پاره‌وقت



بازنستگی	-۰/۰۴۹	-۰/۰۵۳	-۰/۰۴۹	-۰/۱۱۶	-۰/۰۶۳
خانه‌دار	-۰/۰۴۱	-۰/۰۷۹	-۰/۰۶۰	-۰/۰۲۱	۰/۰۳۰
دانشجو	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	۰/۰۲۷	۰/۰۲۹
مجرد	-۰/۰۳۳	-۵/۰۸	-۰/۱۳۹	-۰/۰۳۲۷	-۴/۷۱
طلاق‌گرفته	-۰/۰۴۱۳	-۲/۰۶۲	-۰/۰۶۹۹	-۰/۱۳۴	-۰/۰۶۴
بیوه	-۰/۰۴۰۷	-۳/۰۲۲	۰/۰۱۸	-۰/۰۴۷۹	-۳/۰۲۶
اقلیت مذهبی	-۰/۰۲۱۸	-۳/۰۳۷	-۰/۰۲۵۳	-۰/۱۷۷	-۱/۰۸۰

۵. جمع‌بندی

اقتصاد شادکامی حوزه‌ای نوین از علم اقتصاد است که با تکیه بر داده‌های رفاه ذهنی مبتنی بر پیمایش‌های گسترده از جوامع سعی می‌کند تا به‌وسیله بهبود درک سیاستگذاران از آثار سیاست‌ها بر رفاه مردم به اتخاذ سیاست‌های بهتر کمک کند. این رویکرد یعنی اندازه‌گیری رفاه در قالب شاخص‌های ذهنی در مقابل جریان باسابقه‌تری در علم اقتصاد که سعی در تفسیر رفاه در قالب شاخص‌های عینی نظیر درآمد و یا مصرف سرانه دارد، قرار می‌گیرد. این روش به قضاوت انسان از رفاه خود اصالت می‌دهد و در مقابل ترجیحات آشکار شده بر مفهوم ترجیحات بیان شده به‌وسیله انسان‌ها تکیه می‌کند. شناخت عوامل مؤثر بر رفاه از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های رفاه ذهنی اولاً به درک جامع‌تری از مفهوم مطلوبیت و گسترش نگاه رایج که با بیان وابستگی آن به عواملی معدود نظیر درآمد و فراغت از سایر عوامل احتمالی اثرگذار بر آن غفلت می‌ورزد، کمک می‌کند و ثانیاً بر اساس این شناخت می‌توان سیاستگذاران را از طریق تبیین توابع ارزشی که بر اساس آن بتوان با حداکثرسازی کمیتی نزدیک‌تر به آنچه انسان‌ها آن را رفاه می‌پندارند به اثربخشی سیاست‌ها امیدوارتر کرد.

این تحقیق با تجزیه و تحلیل داده‌های رفاه ذهنی و شناخت عوامل مؤثر بر آن گامی کوچک در جهت غنای دید سیاستگذاری در کشور برمی‌دارد. هدف عمده این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران بوده است. بدین منظور عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی ایرانیان را با داده‌های مربوط به ۴۶۲۰ فرد برای مجموع دو پیمایش در اختیار تحلیل کردیم. همچنین سعی کرده‌ایم تفاوت اثر این عوامل بر دو گروه زنان و مردان را نیز بررسی کنیم.

به طور خلاصه یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد، که:

(۱) درآمد بیشتر باعث افزایش رضایتمندی افراد از زندگی می‌شود و به طور میانگین افراد با درآمدهای بیشتر سطح رضایتمندی بالاتری از زندگی را گزارش می‌کنند.

- (۲) ارتقای سطح سلامت فردی (یا به طور دقیق‌تر، تصور فرد از سطح سلامتی خود) موجب افزایش سطح رضایت از زندگی می‌شود، اندازه تأثیر این عامل بر رفاه بزرگ و قابل توجه است. اگرچه سلامت برای زنان و مردان از عوامل مهم در تعیین رفاه محسوب می‌شود اما رفاه زنان به این عامل حساسیت بیشتری نسبت به مردان نشان می‌دهد.
- (۳) مذهبی بودن (که بر اساس حضور در مسجد اندازه‌گیری شده است) موجب ارتقای رفاه ذهنی فرد می‌شود. به‌ویژه این اثر برای افرادی که اعلام کرده‌اند لااقل هفته‌ای یک‌بار در مسجد حاضر می‌شوند، قابل توجه است.
- (۴) بیکار بودن فارغ از اثر منفی که از طریق کاهش درآمد بر رفاه افراد می‌گذارد، فی‌نفسه موجب کاهش رضایت از زندگی می‌شود. این اثر در ایران برای مردان معنادار است ولی معناداری آن برای زنان قابل تأیید نیست. به عبارت دیگر، رفاه ذهنی مردان و زنان ایرانی به پدیده بیکاری به شکل غیرممتقارن واکنش می‌دهد.
- (۵) اثر داشتن شغل آزاد بر رفاه مردان شاغل در ایران، منفی و معنادار است. این نتیجه در مقابل نتیجه‌ای که در مطالعات مشابه برای کشورهای توسعه‌یافته به دست آمده است قرار دارد. دلایل احتمالی این پدیده را می‌توان در عواملی نظیر عدم ثبات و امنیت شغلی و یا نبود چتر حمایتی بیمه‌های اجتماعی از صاحبان این دسته از مشاغل جست‌وجو کرد.
- (۶) زندگی مشترک و حضور در کنار همسر موجب ارتقای سطح رضایت از زندگی می‌شود. افرادی که به پیوندی خانوادگی تعهد دارند نسبت به سایر افراد (افراد مجرد، طلاق‌گرفته و یا افرادی که همسر خود را به علت فوت از دست داده‌اند) از رفاه ذهنی بالاتری برخوردارند.
- (۷) مردان در ایران به طور میانگین سطح رضایت کمتری نسبت به زنان گزارش کرده‌اند. این نتیجه با نتایج مطالعات مشابه در کشورهای در حال توسعه سازگار است.
- (۸) سن، با کنترل نسبت به سایر عوامل اثرگذار، اثری U شکل بر رفاه ذهنی دارد که بر اساس داده‌های ایران حداقل آن حدود ۴۶ سالگی است.
- (۹) اقلیت‌های مذهبی در ایران نسبت به سایرین سطح پایین‌تری از رفاه ذهنی را گزارش کرده‌اند.

(۱۰) میانگین رفاه ذهنی ایرانیان در سال ۲۰۰۵ بیش از ۲۰۰۳ بوده است.

یافته‌های این تحقیق می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای مطالعات بعدی تلقی شود. گسترش مطالعات مرتبط با این حوزه از ادبیات در کشور تا حد زیادی وابسته به وجود بانک‌های اطلاعاتی غنی است. هر چه تعداد و عمق این گونه اطلاعات در کشور بیشتر باشد، می‌توان به تداوم مطالعات

مرتبط با اقتصاد شادکامی و در نتیجه راهگشایی برای تدوین سیاست‌های مؤثرتر در بهبود رفاه امیدوارتر بود. در واقع مطالعات این چینی می‌تواند در مقایسه هزینه‌ها و منافع اجتماعی اعمال سیاست‌های مختلف راهگشا باشد. امیدواریم اکنون که علم اقتصاد به شیوه‌ای جدید و مؤثر برای ارتقای اندازه‌گیری رفاه و تدوین سیاست‌های فزاینده آن دست یافته است، متخصصان داخلی نیز با توجه به این حوزه از ادبیات به گسترش دانش مرتبط و انجام مطالعات کاربردی روی آورند. این امر مستلزم تهیه بانک‌های اطلاعاتی گسترده با کمک دستگاه‌های ذی‌ربط است.

فهرست منابع

- Blanchflower, D. (2007). *Is Unemployment More Costly than Inflation?* (NBER Working Paper No. 13505). National Bureau of Economic Research.
- Clark, A. E., & Lelkes, O. (2008). *Deliver Us From Evil: Religion as Insurance*. Mimeo, Paris School of Economics.
- Clark, A. E., & Lelkes, O. (2009). *Let us pray: Religious interactions in life satisfaction*. Mimeo, Paris School of Economics.
- Clark, A., Frijters, P., & Shields, M. (2008). Relative Income, Happiness and Utility: An Explanation for the Easterlin Paradox and Other Puzzles. *Journal of Economic Literature*, 46(1), 95-144.
- Di Tella, R., MacCulloch, R. J., & Oswald, A. J. (2001). Preferences over Inflation and Unemployment: Evidence from Surveys of Happiness. *American Economic Review*, 91(1), 335-341.
- Di Tella, R., & MacCulloch, R. (2006). Some Uses of Happiness Data in Economics. *Journal of Economic Perspectives*, 20, 25-46.
- Easterlin, R. A. (1974). "Does economic growth improve the human lot? Some empirical evidence," (David, P.A. & W. R. Melvin Eds.). *Nations and households in economic growth*, Palo Alto, Cal.: Stanford University Press, 90-125.
- Easterlin, R. (2001). Income and Happiness: Towards a Unified Theory. *Economic Journal*, 111, 465-484.

- Frey, B. (2008). *Happiness: A Revolution in Economics*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Frey, B., Stutzer, A. (2000). Happiness, Economy and Institutions. *Economic Journal*, 110, 918-38.
- Graham, C. (2009). *Happiness around the world*. Oxford University Press.
- Greene Kenneth V., Yoon, B. J. (2003). *Religiosity, Economics and Life Satisfaction*. State University of New York at Binghamton
- Layard, R. (2005). *Happiness: Lessons from a New Science*. New York: Penguin Press.
- Lelkes, O. (2008). *Happiness over the life cycle: exploring age-specific preferences*. (MPRA Paper No. 7302).
- Stiglitz, J. E., Sen, A., Fitoussi, J. P., (2009). *Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress*. Technical Report.
- Veenhoven, R. (2007). Subjective Measures of Well-being. In A. McGillivray (Ed.), *Human Well-being, Concept and Measurement* (pp. 214-239). New Hampshire, USA: Palgrave / McMillan, Houndmills.

پیوست (خروجی نرم‌افزار STATA در تخمین مدل‌ها)

الف) تخمین مدل برای مجموع داده‌ها

```
Ordered probit regression              Number of obs   =      4620
                                      LR chi2(27)     =      542.42
                                      Prob > chi2     =      0.0000
Log likelihood = -9843.5316           Pseudo R2      =      0.0268
```

lifesatisf-n	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]
time	.1459616	.0331664	4.40	0.000	.0809566 .2109665
step2	.0665726	.0997178	0.67	0.504	-.1288706 .2620159
step3	.2710725	.0906371	2.99	0.003	.093427 .448718
step4	.31395	.0862604	3.64	0.000	.1448827 .4830174
step5	.4751374	.0856398	5.55	0.000	.3072865 .6429884
step6	.5271227	.0870372	6.06	0.000	.356533 .6977124
step7	.6215176	.0911379	6.82	0.000	.4428906 .8001446
step8	.8682757	.1008444	8.61	0.000	.6706244 1.065927
step9	.9350427	.1476896	6.33	0.000	.6455765 1.224509
step10	1.175616	.2105917	5.58	0.000	.7628639 1.588368
Health2	.2218487	.0661343	3.35	0.001	.0922279 .3514696
Health3	.616682	.0619115	9.96	0.000	.4953376 .7380264
re2	.0503045	.0438334	1.15	0.251	-.0356074 .1362165
re3	.1224353	.0464717	2.63	0.008	.0313524 .2135183
age	-.0213047	.0066418	-3.21	0.001	-.0343223 -.008287
sage	.0002311	.000076	3.04	0.002	.0000822 .0003801
selfemployed	-.0932545	.0504369	-1.85	0.064	-.1921089 .0056
unemployed	-.1241092	.0534006	-2.32	0.020	-.2287724 -.0194459
parttime	-.0501778	.0613853	-0.82	0.414	-.1704908 .0701353
retired	-.049417	.0924577	-0.53	0.593	-.2306307 .1317967
housewife	-.0411507	.0521036	-0.79	0.430	-.1432718 .0609704
student	-.000731	.0615975	-0.01	0.991	-.12146 .1199979
single	-.2324879	.045753	-5.08	0.000	-.3221622 -.1428136
divorc	-.4133057	.1579969	-2.62	0.009	-.7229739 -.1036375
widowed	-.4071398	.1262618	-3.22	0.001	-.6546083 -.1596713
male	-.1396356	.0387154	-3.61	0.000	-.2155163 -.0637549
minority	-.2182948	.0648158	-3.37	0.001	-.3453314 -.0912582

ب) تخمین مدل برای مردان

ordered probit regression Number of obs = 2411
 LR chi2(26) = 251.99
 Prob > chi2 = 0.0000
 Log likelihood = -5176.6736 Pseudo R2 = 0.0238

lifesatisf~n	coef.	std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]	
time	.1422063	.0452629	3.14	0.002	-.0534927	.2309199
step2	.0191261	.1328316	0.14	0.886	-.241219	.2794713
step3	.3817132	.1192394	3.20	0.001	.1480083	.6154181
step4	.3601114	.1131662	3.18	0.001	.1383097	.5819132
step5	.4993347	.1124777	4.44	0.000	.2788825	.7197869
step6	.5530381	.115252	4.80	0.000	.3271483	.778928
step7	.6279153	.1216666	5.16	0.000	.3894532	.8663774
step8	.9402668	.1397098	6.73	0.000	.6664407	1.214093
step9	.825146	.2079933	3.97	0.000	.4174865	1.232805
step10	1.169212	.3059681	3.82	0.000	.5695258	1.768899
Health2	.1781111	.0887886	2.01	0.045	.0040886	.3521336
Health3	.5318321	.0818975	6.49	0.000	.3713159	.6923482
re2	.0022268	.0620883	0.04	0.971	-.1194639	.1239176
re3	.0913442	.063869	1.43	0.153	-.0338368	.2165251
age	-.0027091	.0091212	-0.30	0.766	-.0205863	.0151681
sage	.0000462	.0001005	0.46	0.646	-.0001507	.0002431
selfemployed	-.1330847	.0554654	-2.40	0.016	-.2417948	-.0243745
unemployed	-.1831729	.0703053	-2.61	0.009	-.3209688	-.045377
parttime	-.0628622	.076782	-0.82	0.413	-.2133522	.0876277
retired	-.0529751	.1087166	-0.49	0.626	-.2660557	.1601055
housewife	-.0596305	.2796636	-0.21	0.831	-.607761	.4885001
student	.0108901	.0824841	0.13	0.895	-.1507758	.172556
single	-.1388674	.0629562	-2.21	0.027	-.2622592	-.0154756
divorc	-.6983709	.2474181	-2.82	0.005	-1.183301	-.2134404
widowed	.018308	.2969797	0.06	0.951	-.5637616	.6003775
minority	-.2536093	.0867518	-2.92	0.003	-.4236398	-.0835789

ج) تخمین مدل برای زنان

Ordered probit regression	Number of obs	=	2209
	LR chi2(26)	=	293.94
	Prob > chi2	=	0.0000
Log likelihood = -4644.1458	Pseudo R2	=	0.0307

lifesatisf-n	Coef.	Std. Err.	z	P> z	[95% Conf. Interval]
time	.1365731	.0497085	2.75	0.006	.0391462 .234
step2	.1253	.1536492	0.82	0.415	-.175847 .426447
step3	.0999653	.1413391	0.71	0.479	-.1770543 .376985
step4	.2283757	.1351214	1.69	0.091	-.0364574 .4932087
step5	.4182174	.1339002	3.12	0.002	.1557777 .680657
step6	.472136	.1349088	3.50	0.000	.2077196 .7365523
step7	.5828815	.1401595	4.16	0.000	.3081739 .857589
step8	.769495	.1501643	5.12	0.000	.4751784 1.063812
step9	.9925879	.21393	4.64	0.000	.5732928 1.411883
step10	1.092909	.294539	3.71	0.000	.5156231 1.670195
Health2	.3014323	.1007415	2.99	0.003	.1039826 .4988819
Health3	.7483821	.0959696	7.80	0.000	.5602851 .9364791
re2	.1072637	.0622554	1.72	0.085	-.0147546 .2292819
re3	.1562412	.0685184	2.28	0.023	.0219475 .2905348
age	-.0418533	.0104058	-4.02	0.000	-.0622483 -.0214583
sage	.0004471	.000126	3.55	0.000	.0002001 .0006942
selfemployed	.0813389	.1304192	0.62	0.533	-.1742779 .3369558
unemployed	-.0229932	.0840655	-0.27	0.784	-.1877586 .1417722
parttime	-.0031971	.1047458	-0.03	0.976	-.2084951 .2021008
retired	-.1163795	.1836344	-0.63	0.526	-.4762964 .2435374
housewife	.0211352	.0696752	0.30	0.762	-.1154257 .1576961
student	.0271048	.0945532	0.29	0.774	-.158216 .2124256
single	-.3274611	.0694544	-4.71	0.000	-.4635893 -.191333
divorc	-.1340503	.2086334	-0.64	0.521	-.5429643 .2748636
widowed	-.4789127	.146787	-3.26	0.001	-.7666098 -.1912155
minority	-.1768126	.0982109	-1.80	0.072	-.3693025 .0156773